



تبیین عوامل مؤثر بر کثرت نامزدها در کارزارهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی

(موردکاوی: حوزه انتخابیه ممسنی و رستم)

هادی اعظمی^۱، سیدمحمدحسین حسینی^۲، وحید صادقی^۳

۳۰

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۸/۲۴

صص: ۱۵۹-۱۹۰

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

کارزار انتخاباتی، فرایند سیاسی است که با محافل اجتماعی و سیاسی مختص به خود می‌تواند همه اقشار، طبقات و فضاهای جغرافیایی را دربرگیرد. با توجه به ثبت نام چشمگیر نامزدها در انتخابات مجلس شورای اسلامی، پژوهش حاضر در پی تبیین عوامل مؤثر بر کثرت نامزدهای انتخاباتی و فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم است؟ روش تحقیق، ماهیت توصیفی - تحلیلی دارد و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر رصد پایگاه‌های تحلیلی - خبری محلی و استانی، فعالیت گروه‌های انتخاباتی مجازی (واتس‌آپ، تلگرام و امثالهم) و مشاهدات میدانی ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم است. نتایج تحقیق نشان داد، کثرت نامزدها در این حوزه انتخابیه ریشه در عواملی هم‌چون پدیده شکاف نسلی نامزدها (ابراز وجود نامزدهای جوان در برابر نامزدهای سستی)، استراتژی تغییر حوزه انتخابیه کاندیداها (ورود کاندیداها جدید به این حوزه انتخابیه)، تصمیم جغرافیایی قدرت از بالا (مراجع عهده‌دار صلاحیت نامزدها) و اجماع نخبگان از پایین (خستگی نخبگان ممسنی و رستم از نامزدهای تکراری ادوار گذشته و تلاش برای معرفی نامزدهای جدید در کارزار انتخابات) داشته است. برآیند این وضعیت، خلق فرصت‌ها (شناخت مردم از میزان توانمندی نامزدهای جوان، آگاهی نامزدها از مشکلات حوزه انتخابیه و افزایش دامنه انتخاب رأی‌دهندگان)، ایجاد برخی چالش‌ها (افزایش سطح انتظارات نامزدها از گروه دوستان و حلقه‌های خویشاوندی، سهم‌خواهی نامزدها در چارچوب ائتلاف‌های طایفه‌ای، انباشت تعارضات درون‌طایفه‌ای بر شکاف برون‌طایفه‌ای)، آسیب‌ها (مدل ائتلاف و اجماع طایفه‌ای) و پیامدها (صرف هزینه گزاف در ستادهای انتخاباتی نامزدها، احتمال پایداری میزان مشارکت سیاسی و تحمیل بار مالی - امنیتی برگزاری انتخابات دو مرحله‌ای به دستگاه‌های اجرایی) در این حوزه انتخابیه بوده است. همچنین ردصلاحیت نامزدهای این حوزه انتخابیه ریشه در عواملی همچون ضعف مناسبات سیاسی با جغرافیای قدرت (سطح تحلیل ملی)، مناقشات ارضی و مرزی با همسایگان (سطح تحلیل منطقه‌ای) و تحرکات گروه‌های ذی‌نفوذ (سطح تحلیل محلی) داشته است. هر چند نقش مؤلفه‌های دیگری نظیر ضعف شناسه‌های دموکراسی،

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. (نویسنده مسئول) aazami@um.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

ساز و کارهای نظارتی و عملکرد نامزدها در این زمینه را نمی‌توان نادیده انگاشت. در مجموع، این نتیجه حاصل شده است که صرف ثبت نام گسترده نامزدها برای کسب شهرت و ائتلاف انتخاباتی در نتیجه بده‌بستان / سیاسی (از جنس طایفه‌ای) نمی‌تواند مشکل‌گشای توسعه ممسنی و رستم باشد. از این رو کنش جدی نامزدها برای تنظیم و ارائه برنامه توسعه‌محور به منظور قرارداد این شهرستان‌ها در مسیر توسعه ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: کارزار انتخاباتی، کثرت نامزدها، مجلس شورای اسلامی، حوزه انتخابیه ممسنی و رستم.

مقدمه

انتخابات یکی از شاخص‌های دموکراسی است که توده‌ها با مشارکت سیاسی در آن به‌نوعی قرارداد اجتماعی با منتخب خود دست می‌یابند. اگرچه درون‌مایه انتخابات باید نشأت گرفته از عقلانیت سیاسی باشد، ولی واقعیت آن است که کنش احساسی / عاطفی توده‌ها و بسیج هیجانی آنها در کارزار انتخابات، رویکرد عقلایی و دستورکارهای حزبی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به‌ویژه آنکه اگر ساختار عشیره‌ای / طایفه‌ای بر یک جامعه حکم‌فرما باشد. بر اساس مطالعات علمی و میدانی صورت گرفته، وضعیت حوزه انتخابیه ممسنی و رستم به تدریج از گرایش‌های حزبی و ایدئولوژیک در دهه‌های نخست انقلاب ۵۷ به سوی گرایش‌های طایفه‌ای طی دهه‌های بعد سوق یافت که تا کنون این رویه در برگزیدن نامزدهای انتخاباتی در جریان بوده است. از این حیث، ممسنی و رستم شهرستان‌هایی هستند با انسان‌های سیاسی فراوان و قدرت‌دوست که کارزار انتخاباتی در آنجا صرفاً مربوط به روز رأی‌گیری و آغاز و پایان قانونی تبلیغات نیست، بلکه فرآیند قبل از برگزاری انتخابات نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه بازیگران انتخاباتی و رسانه‌های محلی تمام‌سطوح به پایش فضای واقعی و مجازی در راستای سنجش وزن هر یک از نامزدها می‌پردازند، به‌طوری که بزرگان و توده‌ها علاقه‌مند به دریافت آخرین وضعیت نامزدهای مُتَسَبِّب به طایفه خود از نظر میزان سبد آراء و وضعیت صلاحیت‌شان (تأیید، عدم‌احراز یا ردصلاحیت) در هیئت‌های اجرایی، هیئت نظارت استان / هیئت مرکزی نظارت و شورای نگهبان هستند. بر این اساس، موضوع تأیید یا ردصلاحیت نامزدها همواره دغدغه پلتفرم‌های اجتماعی و خبری برای مخابره در سطح این حوزه

انتخابیه است، به طوری که چنین رسانه‌هایی در دهه جدید به همه کمپین‌های انتخاباتی، ماهیت و شکل می‌دهند و از این طریق به معرفی و وزن‌سنجی نامزدها می‌پردازند. شایان ذکر است که با وجود برخی نارضایتی‌های ممسنی‌های فارس نشین از وضع موجود کشور در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و از این دست مسائل، کثرت نامزدها معمولاً زمینه‌ساز مشارکت حداکثری رأی‌دهندگان در این حوزه انتخابیه است، مگر آنکه رخصت‌تعداد زیادی از نامزدهای باکیفیت و کاریزماتیک، کاهش میزان مشارکت را رقم زند. باید اذعان داشت که طی ادوار اخیر انتخابات مجلس تعداد ثبت‌نام نامزدهای انتخاباتی در قریب به اتفاق حوزه‌های انتخابیه استان فارس (صرف‌نظر از وضعیت صلاحیت نهایی آنها) روند افزایشی یافته است. حوزه انتخابیه ممسنی و رستم نیز از این قضیه مستثنی نیست، به طوری که طی دوازدهمین دوره انتخابات رکورد خارق‌العاده‌ای را به لحاظ تعداد ثبت‌نام نامزدها، ثبت نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی تبیین عوامل مؤثر بر کثرت نامزدهای انتخاباتی و فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم است؟

۱. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات نوشتار توصیفی تحلیلی پیش‌رو مبتنی بر رصد پایگاه‌های تحلیلی - خبری محلی و استانی، فعالیت گروه‌های انتخاباتی مجازی (واتس‌آپ، تلگرام و ...) و مشاهدات میدانی ادوار مختلف انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم است. این پژوهش ضمن علت‌کاوی عوامل مؤثر بر کثرت نامزدها در این حوزه انتخابیه، به دنبال تبیین فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن، آینده‌پژوهی و ارائه پیشنهادات لازم به دستگاه‌های مجری انتخابات است.

۲. مفاهیم و مباحث نظری

۲-۱. شالوده نوشتار؛ دموکراسی

ارزشمندترین جنبه یک جامعه دموکرات، حکومت اکثریت نیست، بلکه محدود کردن قدرت حاکم با هدف حمایت از حقوق شهروندی است به نحوی که، برنده انتخابات هر کاری که دلش بخواهد، نمی‌کند و نباید بخواهد هر چیزی را به انقیاد خود درآورد (نوح‌هراری، ۱۴۰۱: ۱). چراکه در

دموکراسی‌ها، حکمرانی، موقتی است؛ یعنی هر چهار یا شش سال یکبار و محدود به قانون است. دلیل این محدودیت، این پیش‌فرض دموکراسی است که حکمرانی‌های دائمی و غیرمحدود به دلیل تراکم قدرت، ثروت و اطلاعات، فسادآور است (جلائی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۹۳). دموکراسی‌ها به طور منظم انتخابات آزاد عادلانه برگزار می‌کنند که همه شهروندان حق شرکت در آن را دارند. در یک دموکراسی، انتخابات نمی‌تواند نمایی ظاهری باشد، بلکه انتخابات، رقابت‌های واقعی هستند بر سر کسب حمایت مردم. در حکومت مردم‌سالار، کشمکش بین احزاب سیاسی نه جنگی برای بقا، که رقابتی برای خدمت به مردم است. احزاب سیاسی، سازمان‌هایی داوطلب برای ایجاد پیوند بین مردم و حکومت هستند (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۰). در دولت‌های اقتدارگرا و نظام‌های سوسیالیست، انتخابات برای مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی به کار می‌رود و مشارکت فعال مردم در انتخابات نیز از ترس تنبیهاتی است که ممکن است از طرف حکومت علیه آنها به کار رود، نه به علت علاقه آنها به نامزدها و یا برنامه‌هایشان (امجد، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

۲-۳. جغرافیای انتخابات

انتخابات به قابل قبول‌ترین ابزار تغییر رهبری در هر نظام سیاسی معین تبدیل شده است. این مکانیسم، مقبولیت حکومت و رهبری سیاسی توسط شهروندان را ارزیابی می‌کند. بنابراین، نگرش رأی‌دهندگان در حین یا قبل از هر انتخابات از کشوری به کشور دیگر بسته به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی چنین افراد یا کشوری متفاوت است (Obani & Odalonu, 2019: 2). تبیین تئوری انتخابات با دو شیوه دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد (Davaranpanah, 2006: 52). در دموکراسی مستقیم، تصمیمات به‌طور جمعی و مشارکت مستقیم، بدون واسطه و مستمر شکل می‌گیرد، ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی، مردم به‌طور غیرمستقیم به واسطه نمایندگان مورد اعتماد خود بر اداره دولت نظارت دارند (هیوود، ۱۳۹۵: ۱۵۳). اعمال کنترل بر مقام‌های دولتی و سیاست‌های آن با روندی رقابتی به نام انتخابات صورت می‌پذیرد که این روند این امکان را به مردم می‌دهد و ممکن است در آن، رهبران از قدرت برکنار شوند. همچنین مانع از آن می‌شود که فرد یا گروهی به طور نامحدود قدرت را در دست بگیرد و به همین علت، امکان سوءاستفاده از قدرت را نیز فرو می‌کاهد (اونیل، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

عمومیت یافتن حق رأی سبب شده است انتخابات به عنوان مهمترین جلوه‌ی زندگی سیاسی عصر حاضر به‌شمار آید. کوشش‌های انتخاباتی، بخش قابل توجهی از زندگی سیاسی مردم، تلاش-گران سیاسی، احزاب، گروه‌ها و نهادهای مدنی را به خود اختصاص داده است. اهمیت انتخابات موجب شده است تا علم و دانش مستقلاً در حوزه سیاست و حقوق شکل گیرد. می‌توان انتخابات را به‌مثابه یک دانش، علمی بین‌رشته‌ای دانست. حقوقدانان به قوانین انتخاباتی، نظام انتخاباتی و ابعاد حقوقی آن می‌پردازند؛ رفتار سیاسی در انتخابات، توجه محققان علم سیاست و علاقه‌مندان به رفتارشناسی را به خود جلب کرده است؛ جامعه‌شناسان مختلفی کوشیدند رفتار انتخاباتی را با متغیرهای اجتماعی چون طبقات اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی و موقعیت اجتماعی توضیح دهند و برخی پا را فراتر گذاشته‌اند و از تأثیر تاریخ و جغرافیا بر رفتار رأی‌دهی سخن گفته‌اند (خلیلی، ۱۳۹۴: ۱). شاید این به دلیل چندبعدی بودن انتخابات است که سبب تمرکز پژوهشگران رشته‌های مختلف درباره آن شده است. تأثیر عوامل محلی بر تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی مردم و ساختار جغرافیایی نظام رأی‌گیری و عوامل جغرافیایی در شکل‌دهی به نتیجه انتخابات، جغرافیای انتخاباتی است (جونز و وودز، ۱۳۹۵: ۲۵۲). جغرافیای انتخابات با توجه به اینکه رأی‌دهندگان ترجیحات خود را در خلاء بیان نمی‌کنند بر نقش مهم جغرافیا به عنوان متن یا بستر (ملی، منطقه‌ای و محلی) در انتخابات تأکید می‌کنند (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

۲-۳. انسان سیاسی

انسان سیاسی به معنای موجودی (کارگزار اجرایی/آکادمیک/توده‌ای و ...) است برخوردار از نگرش، ادارک و رفتارشناس عینی (ملموس و مشهود اعم از سطح قدرت بازیگران، میزان منفعت متنفذین و ...) و تحلیل‌گر پدیدارهای ذهنی (ناملموس و پیچیده اعم از گفتمان خلق قدرت، شیوه لابی‌کنش‌گران و ...) در عالی‌ترین (سیاست) مقیاس زیست این جهانی. «موجود سیاسی» است؛ از آن حیث که در سپهر سیاست، وجود خارجی دارد. هم جزئی از فضا / سپهر زیست سیاسی است (کنش‌پذیر / ابژه) و هم فضا / سپهر زیست به واسطه موجودیت وی، رنگ و لعاب سیاسی گرفته است (کنش‌گر / سوژه). از این رو موجودیت این انسان در سپهر سیاست، پیش‌درآمدی است بر اندیشه و رفتار سیاسی. اعلی‌ترین و ناب‌ترین گونه انسان سیاسی، کارگزار اجرایی / ابزاری و آکادمیک / علمی از یکسو و ادنی‌ترین آن، توده از سوی دیگر است. «نگرش و ادراک» دارد و «رفتارشناس و

تحلیل‌گر» است. نگرش و ادراک از آن جهت که نسبت به پدیده‌های گوناگون این جهانی تفکر می‌کند و می‌اندیشد. از این حیث، انسان سیاسی قادر به رفتارشناسی و تحلیل / تفسیر پدیده‌ها است؛ خواه منشأ آنها عینی باشد (رفتارشناسی)، خواه ذهنی (پدیدارشناسی). عالی‌ترین مقیاس نگرش، تفکر، رفتارشناسی و تحلیل پدیده‌های سیاسی مربوط به اندیشمندان آکادمیک و کارگزاران اجرایی و روزمره‌ترین آن متعلق به توده است. «عالی‌ترین» وجه زیست این جهانی، «سیاست» است؛ از آن جهت که دربردارنده فهم انسان سیاسی از اضلاع گوناگون (فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...) تشکیل‌دهنده یک جامعه است. از آنجا که سیاست به مثابه هنر به‌کارگیری ابزارهای متعدد جهت رسیدن به هدف (منفعت، ثروت، قدرت و ...) است، متولی فهم و تحلیل این پدیده‌ها، انسان سیاسی (اعم از کارگزاران اجرایی، آکادمیک «فهم عمیق» و یا توده‌ها «فهم سطحی و روزمره») است (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۳).

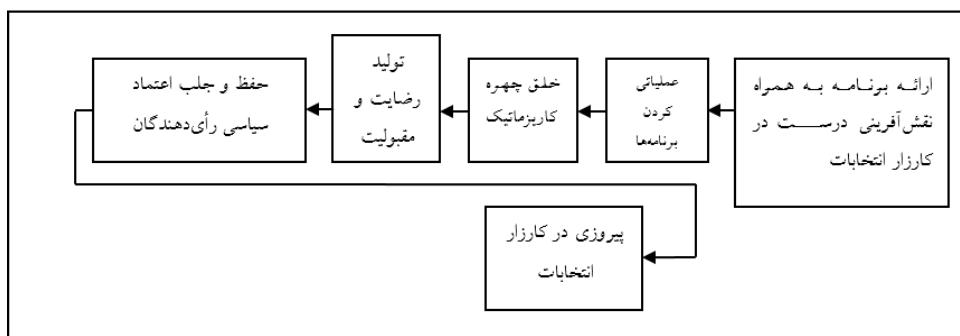
۲-۴. نامزدهای انتخاباتی؛ صحنه‌گردانان میدان بازی

انسان سیاسی به مثابه نامزد انتخاباتی از اجزاء و مولفه‌های مهم و زمینه‌ساز فرایند انتخابات به شمار می‌رود به نحوی که بدون بازیگر سیاسی، رأی‌دهنده نمی‌تواند گُشی/انتخابی داشته باشد. کاریزما و جذابیت فردی کاندیداها بنیادی‌ترین عامل نام‌نویسی در انتخابات به شمار می‌رود. کاندیدا (Candida) یا نامزد انتخاباتی (Election Candidate) به مثابه گونه‌ای از بازیگر سیاسی (Political Actor) فردی است واجد شرایط خاص که برای تحصیل قدرت سیاسی، خود را در معرض رأی مستقیم مردم قرار می‌دهد. به دیگر سخن، کاندیدا، انسان سیاسی است که قرار است نقش (Role) بازی کند. رولی حرفه‌ای/طبیعی و مطلوب توده رأی‌دهنده برای جذب رأی و درنهایت کسب قدرت از طریق انتخابات در چارچوب اصول قانون اساسی مربوطه (صادقی، ۱۴۰۲: ۷۵). هر کدام از اکتیویست‌های انتخاباتی، قدرت سیاسی (Political Power) به شمار می‌روند که از ترکیب و تجمع اراده سیاسی افراد ملت در قالب برگه‌های رأی در مکانیسم انتخابات/دموکراسی و انتقال این قدرت به نهاد حکومت یا فرد حاکم شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا و صادقی، ۱۴۰۱). پرسش بنیادین این است که نامزدها باید چه ویژگی‌ها و صلاحیتی داشته باشند تا در پرتو آن شهروندان اقدام به تصمیم برای دادن رأی به آنها کنند؟ داشتن ویژگی‌های فردی و موقعیت مطلوب اجتماعی و اقتصادی و استفاده از یک سلسله عوامل و برنامه‌هایی که منتج به تواناسازی نامزد انتخاباتی می‌شود، پاسخ

به این پرسش می‌تواند باشد. نامزد برخوردار از ویژگی‌ها و منابع (مادی و معنوی) بیشتر، پایگاه رأی سنگین‌تری دارند. به طور واقع‌نگرتر، رأی‌دهندگان افرادی را بر می‌گزینند که بتوانند خواسته‌ها و منافع شخصی و جمعی آنها را برآورده کنند. از این رو نامزد انتخاباتی باید این توانش و قابلیت را داشته باشد که «تولید رضایت» بیافریند؛ یعنی انگیزه فرد را برای رأی‌دادن فراهم سازد. نامزدهای انتخاباتی در صورت پاسخگو بودن بدون استثنا به خواست ملت و نقش‌آفرینی همسو با فرهنگ سیاسی فضای جغرافیایی مربوطه می‌تواند به درستی آراء و نظر شهروندان آن قلمرو زیستی را به سمت خود سوق دهد.

بنابراین بازیگران انتخاباتی، با تنظیم و تنسيق تحرکات خود با فرهنگ سیاسی جامعه که برآمده از فرهنگ عمومی است، در عرصه سیاسی بازی‌گری خوش می‌درخشند. آنچه که باعث گرایش توده رأی‌دهنده به سمت بازیگر می‌شود، مقوله «اعتماد اجتماعی» است که در واقع یکی از ابعاد فرهنگ عمومی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود و بر رفتار انتخاباتی تأثیرگذار است. توسل جستن به راهبردهایی که موجب اعتماد توده به بازیگران می‌شود بسیار راهگشاست. نمودار زیر کوششی است برای موفقیت در کارزار انتخابات. در مرحله اول نقش‌آفرینی درست و حرفه‌ای نامزدها به همراه ارائه برنامه گام استواری است. عملیاتی کردن برنامه‌ها درآمد شناختی درخوری برای نامزدهای انتخاباتی فراهم می‌کند. پس از این تولید رضایت و اعتماد رأی‌دهندگان و فرجام، پیروزی در نبرد انتخابات است (صادقی و همکاران، ۲۰۳: ۱۴۰۳).

نمودار شماره ۱: چگونگی تولید و هدایت رفتار سیاسی توسط نامزدها



(همان، ۲۰۴)

۵-۲. فرايند سياسي

فرايند سياسي، در نظام سياسي شكل مي‌گيرد. در حقيقت مفهوم فرايند و نظام سياسي تفكيك-ناپذير است. پايه‌هاي نظام سياسي، نيروهاي اجتماعي هستند كه از طريق نهادها و كنش‌هاي اجتماعي با محيط شكل مي‌گيرند. در اين چنين بستري، نظام سياسي را مي‌توان توليد نهايي فرايندهايي در نظر گرفت كه به دست انسان سياسي در محيط سياسي و اجتماعي و در واكنش به نظام‌هاي سياسي همسايه شكل گرفته است (ويسي، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

۶-۲. كارزار انتخاباتي؛ عناصر، اشكال و ويژگي‌هاي آن

كارزار انتخاباتي (Election campaign) موثرترين و کاربردي‌ترين شيوه‌هاي رقابت انتخاباتي در جهان شناخته مي‌شود و نقش بنيادي در پيروي يك نامزد انتخاباتي دارند (اميري و همكاران، ۱۴۰۰: ۵۲). كمپين‌ها باعث مي‌شوند رأی‌دهندگان تصميمات خود را بر پايه موضوعات و تصاويري كه در كمپين تأكيدي شده‌اند، قرار دهند. چنين تأثيرات مبارزاتي با بحث‌هاي بين‌فردی تقويت مي‌شود. شواهد نشان مي‌دهد كمپين‌ها با تعيين معيارهائي كه رأی‌دهندگان تصميمات خود را بر اساس آن‌ها قرار مي‌دهند، بر آنها تأثير مي‌گذارند. كمپين‌ها در واقع مي‌توانند معيارهائي را شكل دهند كه رأی‌دهندگان رأی خود را بر اساس آن قرار مي‌دهند (Druckman, 2004: 577). احساسات (Passion)، عقل / منطق (Reason)، شانس (Chance) سه عنصر بنيادي كارزار انتخاباتي به شمار مي‌روند. قلب تپنده كارزار انتخاباتي، «استراتژي» است. استراتژي مناسب مي‌تواند يك كمپين معمولي را پيروز و استراتژي نامناسب مي‌تواند يك كمپين عالي را ناکام كند. كمپين انتخاباتي سبك قديم مبتني بر روابط «يك به يك» ميان حزب و مردم بود. اما در سبك جديد كمپين‌هاي انتخاباتي گسست مهمي با سبك قديم صورت گرفته است. سبك جديد كمپين-هاي انتخاباتي در چهار بُعد متمايز از سبك قديم است: بازيجران جديد، انگيزه‌هاي جديد، تاكنيك‌هاي جديد، منابع جديد. اين ابعاد جديد، كمپين‌هاي انتخاباتي را در دهه ۱۹۷۰ به صنعت جديدي تبديل كردند. با ورود تلويزيون به عرصه سياست در دهه ۱۹۵۰ اهميت شخصيت و چهره نامزدهاي انتخاباتي نقش مهمتري در كمپين‌ها پيدا كرد، به گونه‌اي كه كارزارهاي انتخاباتي «حزب‌محور» آرام آرام جاي خود را به كارزارهاي «نامزدمحور» دادند. به رغم وجود چنين فراز و نشيبي، در مجموع احزاب و نامزدهاي انتخاباتي نسبت به گذشته تا حدودي قدرت تأثيرگذاري خود را از دست داده‌اند و به جاي آن مشاوران و

استراتژیست‌های انتخاباتی اهمیت بیشتری یافته‌اند. با اهمیت یافتن مشاوران حرفه‌ای، دوره‌ای از کارزارهای انتخاباتی شکل گرفتند که می‌توان آن را کارزارهای «مشاوره‌محور»^۱ دانست. در این سبک، نامزدهای انتخاباتی در حکم عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی هستند که نخ آنها در دست مشاوران ارشد و استراتژیست‌های حزب قرار دارد. اگرچه برخی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از چنان توانمندی برخوردار بوده‌اند که هم در قامت یک سیاستمدار زبردست و هم در مقام یک سازمان‌دهنده و استراتژیست ماهر عمل کنند. تجمیع چنین ویژگی‌هایی در یک نامزد انتخابات، دوران باشکوهی از ریاست جمهوری را در کشور مورد نظر رقم زده است. اما در مرحله‌ای پیش‌روتر، کارزارهای انتخاباتی گام در مرحله جدیدتری گذاشته‌اند که می‌توان از آن با عنوان کارزارهای «اجتماع‌محور»^۲ یاد کرد و آن را مرحله سوم تحول در کارزارهای انتخاباتی دانست. در این کمپین‌ها اگرچه احزاب، نامزدها و همچنین مشاوران ارشد و استراتژیست‌های حزبی همگی اهمیت زیادی دارند، اما محوریت با سوژه‌هاست. در فرایند چنین کمپینی هر سوژه یا همان فرد محلی به یک استراتژیست محلی تبدیل می‌شود و از این طریق به‌وفور استراتژیست محلی آموزش دیده در شبکه‌ای سراسری در کشور به فعالیت و مشارکت می‌پردازند. استراتژی اصلی کمپین‌های اجتماع‌محور متمرکز بر روابط میان فردی است و از طریق تماس شخصی میان افراد پیام خود را انتقال می‌دهد. همانطور که کاتز و لازاراسفلد عنوان می‌کنند تماس شخصی نسبت به سایر رسانه‌ها تأثیر بیشتری بر تصمیم‌گیری سیاسی افراد دارد. بررسی لازاراسفلد و همکاران (۱۹۴۸) نشان می‌دهد که نیمی از پاسخگویان تماس شخصی را به عنوان عامل تأثیرگذار در کارزار انتخاباتی دانسته‌اند و یک چهارم آنها تماس شخصی را مهمترین عامل به حساب آورده‌اند. این تأثیرگذاری بر رأی‌اولی‌ها تأثیر بیشتری داشته است. تماس تلفنی و تماس شخصی در ساعات منتهی به انتخابات تأثیر زیادی بر افرادی که مردد هستند، می‌گذارد. در حقیقت در این نوع کمپین‌های انتخاباتی، ستادهای انتخاباتی «سیاسی» به ستادهای انتخاباتی «اجتماعی» تبدیل می‌شوند که با توجه به این رویکرد، ستادهای ساکن و غیرمتحرک سستی به ستادهای پویا و متحرک امروزی تغییر عملکرد می‌دهند. در این ایده، طرح‌ریزی یک استراتژی قوی و مشخص، از پایین به بالا (برخلاف رویکرد سستی که از بالا به پایین بود) و سازماندهی افراد و متنفذان محلی برای عملی کردن برنامه‌ها، عامل نهایی و زیربنایی برای موفقیت در انتخابات است. در هر صورت برای پیروزی کارزار انتخاباتی همه عوامل از جمله ساختار حزبی و سازمان‌دهی سیاسی، تصویر نامزد انتخاباتی، استراتژیست‌های

- 1 . Consultant-Centered Campaigns
- 2 . Community -Based Campaign

حرفه‌ای، پول، منابع و پوشش رسانه‌ای اهمیت زیادی دارند و با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص هر یک از موارد می‌تواند نقش کلیدی‌تری نسبت به سایر موارد پیدا کند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۳۸-۱۳).

۷-۲. قانون انتخابات

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (با اصلاحات و الحاقات تا تاریخ ۱/۵/۱۴۰۲) مشتمل بر ۱۱ فصل و ۱۱۵ ماده است. مهم‌ترین فصل این قانون، فصل پنجم آن تحت عنوان «اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان» است. بر این اساس، مهم‌ترین ارکان فرآیند بررسی وضعیت صلاحیت نامزدهای مجلس شورای اسلامی عبارت‌اند از:

الف) هیئت‌های اجرایی: این هیئت‌ها در تمام حوزه‌های انتخابیه کشور با دعوت فرماندار آن حوزه از معتمدین محلی و برگزاری انتخابات با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. بر این اساس تعداد ۸ نفر به عنوان عضو اصلی و ۵ نفر علی‌البدل در حوزه‌های انتخابیه کشور انتخاب می‌گردند. رئیس هیئت اجرایی نیز فرماندار آن حوزه است. وظیفه هیئت‌های اجرایی صرفاً معطوف به بررسی وضعیت صلاحیت نامزدها نیست، بلکه در تمامی مراحل اجرایی انتخابات نقش‌آفرین هستند. نامزدهایی که با وضعیت رد یا عدم احراز صلاحیت در هیئت اجرایی مواجه می‌شوند، به‌مدت چهار روز فرصت دارند به استناد تبصره ماده ۶۱ قانون انتخابات، اعتراض و شکایت خود را به مراجع ذیربط ارسال نمایند.

ب) هیئت‌های نظارت شهرستان و استان: اعضای هیئت نظارت شهرستان بدون حق رأی می‌توانند در جلسات هیئت اجرایی حضور داشته باشند. هیئت نظارت استان نیز پس از دریافت اسامی نامزدهای تأییدشده در هیئت‌های اجرایی، به مدت ۵۰ روز در هماهنگی با هیئت مرکزی نظارت به بررسی صلاحیت نامزدها خواهد پرداخت و پس از کسب نظر هیئت مرکزی، وضعیت نامزدها (تأیید، عدم-احراز یا ردصلاحیت) را به فرماندار حوزه انتخابیه اعلام خواهد کرد.

ج) هیات مرکزی نظارت: بر اساس ماده یک قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، اعضای این هیئت متشکل از ۵ نفر از سوی شورای نگهبان انتخاب می‌شوند و با دریافت اطلاعات از هیئت نظارت استان به‌مدت ۵۰ روز وضعیت صلاحیت نامزدها را مشخص خواهند نمود.

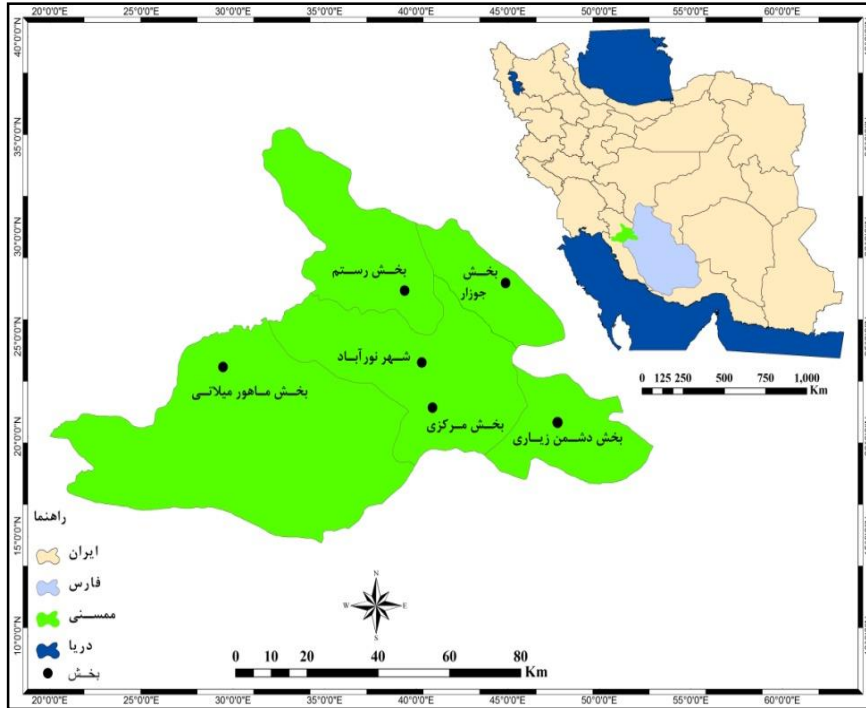
د) شورای نگهبان: بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد. علی‌رغم تفاسیر گوناگون از انواع نظارت شورای نگهبان، ادوار مختلف انتخابات

نشان می‌دهد نظارت این شورا بر وضعیت صلاحیت نامزدها از نوع استصوابی و رأی آن در این خصوص قطعی است. در شرایطی که هر یک از نامزدها ظرف ۳ روز نسبت به عدم یا رد صلاحیت خود در سایر مراحل پیشین اعتراض داشته باشند، شورای نگهبان ظرف مدت ۳۰ روز نظر قطعی خود را اعلام خواهد نمود. در شرایطی که شورای نگهبان راساً صلاحیت نامزدی را تأیید یا احراز نکند و آن نامزد ظرف ۳ روز شکایت نماید، شورای نگهبان نهایتاً ظرف ۷ روز نظر قطعی خود را به ستاد انتخابات کشور اعلام خواهد کرد (قانون انتخابات، ۱۴۰۲).

۳. جغرافیاشناسی فارس

استان فارس، باستانی‌ترین فضای جغرافیایی ایران است که اقلیم و مناطق فرهنگی متنوعی دارد. نورآباد مرکز سیاسی / تاریخی حوزه انتخابیه ممسنی و رستم است که ثقل جمعیت و قدرت در آن واقع شده است. نورآباد فارس به رغم پیوستگی با شیراز به عنوان مرکز استان، از بافتاری قومی و تباری برخوردار است که همین مسئله زمینه شکاف ساختاری آن از نوع زبانی و قومی را با دیگر فارس‌نشین‌ها فراهم آورده است. کارزار انتخاباتی در این حوزه انتخابیه متأثر از ساخت اجتماعی قومی و طایفه‌ای شکل گرفته است؛ به نحوی که گردشگری گروه‌های طایفه‌ای - این‌طور که الگوی رأی طایفه‌ای به مثابه نیروی گردشگری محسوب می‌شوند - زمینه مشارکت افراد در انتخابات را خواه برای کسب پُست / مناصب سیاسی / اداری؛ خواه برای به رخ کشیدن ارزش‌ها و ایستار قلمرو طایفه‌ای خود و خواه برای لذت بردن از فرایند سیاسی فراهم آورده است. از طرفی، فرهنگ سیاسی ممسنی‌ها درهم‌آمیخته با قدرت‌دوستی است که زمینه مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود. کثرت ثبت‌نام نامزدها در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم نیز معمولاً زمینه مشارکت بیشتر رأی‌دهندگان است زیرا هر یک از آنها از پشتوانه طایفه‌ای برخوردارند و قادرند هم‌تباران خود را در این عرصه بسیج سازند.

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی



(صادقی، ۱۳۹۳: ۵۴).

۴. یافته‌ها

۴-۱. وضعیت ثبت نام و صلاحیت نامزدها

به طور کلی، تعداد نامزدهای انتخاباتی در حوزه‌های انتخابیه استان فارس طی ادوار اخیر روند افزایشی داشته است، به گونه‌ای که تعداد ۳۷۴ نفر (دور نهم)، ۷۲۷ نفر (دور دهم)، ۹۴۰ نفر (دور یازدهم) و ۱۴۹۵ نفر (دور دوازدهم) در تمام حوزه‌های انتخابیه این استان ثبت نام نمودند (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲). در دور دوازدهم ۱۵۲۰۰ نفر (معادل ۷۵ درصد) از داوطلبان انتخابات مجلس در سراسر کشور از سوی شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند که نصاب بی سابقه‌ای در تأیید صلاحیت‌های انتخابات مجلس بوده است (طحان‌نظیف، ۱۴۰۲). در دور دوازدهم، تعداد ۶۶۸ نفر در هیئت نظارت استان فارس تأیید صلاحیت شدند که پس از بررسی‌های نهایی شورای نگهبان، تعداد نامزدهای

تأیید صلاحیت شده این استان به ۸۸۱ نفر (۶۸ درصد) افزایش یافت تا میانگین شگفت‌انگیز ۴۳ داوطلب برای هر کرسی مجلس دور دوازدهم به ثبت برسد (قزل‌سفلی، ۱۴۰۲).

بررسی ادوار اول تا دوازدهم انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم نشان می‌دهد که پس از تأیید صلاحیت نهایی نامزدها از سوی مراجع ذیربط، در ادوار اول (۲۰ نامزد)، ششم (۱۵ نامزد)، دهم (۱۱ نامزد) و دوازدهم (۲۶ نامزد / ۱۵ نامزد انصرافی)، کثیرترین و متنوع‌ترین نامزدهای انتخاباتی، از طیف‌های مختلف فکری و طایفه‌ای (صف‌آرایی نامزدهای مربوط به پنج طایفه ممسنی در ادوار اول و ششم) به رقابت با یکدیگر در روز انتخابات پرداخته‌اند. در سایر ادوار انتخابات، تعداد تأیید صلاحیت‌شدگان نهایی بین حداقل ۳ و حداکثر ۱۰ نامزد انتخاباتی در نوسان بوده است (حافظ‌نیا و صادقی، ۱۴۰۰: ۸۵-۶۰). شایان ذکر است که در دور دوازدهم با پیش‌ثبت نام ۱۰۶ نفر و ثبت نام نهایی ۶۷ نفر در این حوزه انتخابیه رکورد «خارق‌العاده‌ای» ثبت گردید، به طوری که تعداد ۴۵ نامزد در مرحله نخست (هیئت اجرایی) و تعداد ۲۷ نامزد در مرحله دوم (هیئت نظارت استان) تأیید صلاحیت شدند که چندین نامزد انصراف دادند (پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل، ۱۴۰۲). سرانجام پس از بررسی نهایی شورای نگهبان، تعداد نامزدهای دور دوازدهم در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، ۲۶ نفر اعلام شد که با انصراف ۱۵ نفر، نهایتاً ۱۱ نامزد به رقابت با یکدیگر پرداختند.

جدول شماره ۱: وضعیت نامزدها و نمایندگان دوازده دوره حوزه انتخابیه ممسنی و رستم

دوره	تعداد نامزدها	نماینده	طایفه	سرنوشت انتخابات	تعداد آراء نمایندگان
اول	۲۰	صمد شجاعیان	جاوید	مرحله دوم	۱۸۷۶۶
دوم	۳	صمد شجاعیان	جاوید	مرحله اول	۳۳۸۸۴
سوم	۸	سید عبدالرسول موسوی	بکش	مرحله اول	۳۸۴۱۴
چهارم	۹	رضاقلی الهیاری	رستم	مرحله دوم	۴۱۶۱۵
پنجم	۱۰	فریبرز انصاری	رستم	مرحله دوم	۴۶۴۲۱
ششم	۱۵	سید ابراهیم امینی	بکش	مرحله اول	۳۱۷۲۴
هفتم	۶	علی احمدی	جاوید	مرحله اول	۵۴۸۴۱
هشتم	۷	عبدالرضا مرادی	بکش	مرحله اول	۵۱۵۶۳

۴۸۷۳۷	مرحله اول	بکش	نوذر شفیعی	۴	نهم
۵۵۹۹۵	مرحله دوم	بکش	مسعود گودرزی	۱۱	دهم
۵۰۰۰۸	مرحله اول	رستم	مجید انصاری	۵	یازدهم
۳۷۲۱۱	مرحله اول	جاوید	امید نصیبی	۱۱	دوازدهم

(اعظمی، حسینی و صادقی، ۱۴۰۰: ۱۲-۱۰).

بر اساس جدول شماره ۱، كثر ت نامزدهای انتخاباتی بر توزیع كیك آراء میان كاندیداهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم تأثیرگذار بوده، به طوری كه كثر ت نامزدهای انتخاباتی (بیش از ۸ نامزد) در ادوار اول، چهارم، پنجم و دهم منجر به توزیع آراء میان خیل كثری از نامزدها شده و سرنوشت انتخابات در مرحله دوم و یا به سختی در همان مرحله اول (نظیر دور ششم به دلیل بیشترین میزان مشاركت مردمی در تمامی ادوار یعنی ۱۱۱/۱ درصد و دور دوازدهم به دلیل آراء فراطیفه‌ای قابل توجه امید نصیبی به‌عنوان نامزد نخست و فاصله زیاد وی با ابوذر رشیدی به عنوان نفر دوم) رقم خورده است. در ادوار دوم، سوم، هفتم، هشتم، نهم و یازدهم كه تعداد نامزدها كمتر از ۸ نفر بوده‌اند، سرنوشت انتخابات به طور قطعی در همان مرحله اول تعیین شده است، به طوری كه نامزدهای پیروز انتخابات با فاصله بسیار زیاد نسبت به نفر دوم، موفق به كسب بیش از ۴۸ هزار رأی شده‌اند و گزاره «۵۰ هزارتایی شدن رأی نامزدها» میان عموم مردم برجسته شده است.

از سوی دیگر، در رابطه با چرایی ردصلاحیت نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم در مقایسه با همسایگان فارس‌نشین (شیراز، كازرون و ...) و زاگرس‌نشین (یاسوج، گچساران و ...) خود كه معمولاً انتخابات باشكوهی با حضور نامزدهای پر وزن برگزار می‌کنند، موضوعاتی همچون ضعف شناسه‌های دموكراسی، ناكارآمدی مكانیسم‌های نظارتی، عملكرد شخصی نامزدها و جزاینها تأثیرگذار هستند. با وجود این، مهم‌ترین عوامل ساختاری مؤثر بر ردصلاحیت نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم عبارت‌اند از:

الف) ضعف مناسبات سیاسی با جغرافیای قدرت (سطح تحلیل ملی)

به لحاظ كنش‌گیری تاریخی، ایل ممسنی معمولاً در تعارض با دول مركزی قرار داشته است. اگرچه طی دوره حكومت لرتبار زندیه زمینه برای نقش‌آفرینی ممسنی‌ها در سطح اول قدرت ایران فراهم شد و به بازیگر اصلی در این عرصه تبدیل شدند، ولی كشمكش و منازعه با حكومت‌های

ترک تبار صفویه، افشاریه، قاجاریه و متعاقباً رویارویی با دولت پهلوی مانع از رشد و ترقی آنها شد. بررسی مناسبات ایلات بختیاری و قشقایی با دول مرکزی به واسطه برخورداری از منصب ایلخانی (تنظیم‌کننده مناسبات با دول مرکزی در پایتخت) نشان می‌دهد که ایلات اخیر در مقایسه با ایل ممسنی (فروپاشی ساختار ایلخانی در پشت‌کوه کهگیلویه طی عهد صفوی) در بدنه سیاسی جغرافیای قدرت و دول مرکزی رسوخ کردند، ولی ایل ممسنی به دلیل ضعف انسجام درونی به زورآزمایی با دول مرکزی در بزنگاه‌های تاریخی پرداخت (حافظ‌نیا، حسینی و صادقی، ۱۴۰۱: ۲۲۴-۲۱۹). از این رو، تنگنای استراتژیک ممسنی‌ها در بستر تاریخ و استمرار ضعف برخورداری از لایبست‌های قدرتمند به منظور رایزنی با کارگزاران جغرافیای قدرت در دوره پسانقلاب ۵۷ را می‌توان به‌عنوان یکی از علل ایستایی ممسنی‌ها در سطح کلان قدرت و به تبع آن ردصلاحیت نامزدهای پر وزن این حوزه انتخابیه در کارزارهای انتخاباتی برشمرد.

ب) مناقشات ارضی و مرزی با همسایگان (سطح تحلیل منطقه‌ای)

بخشی از پیکره فضایی ممسنی (راشک، بی بی حکیمه و از این دست) در بستر تاریخ از آن تجزیه و ضمیمه خاک همسایگان شده‌اند. چنین مناقشاتی بر سر برخی سکونتگاه‌های مرزی گاه روابط با همسایگان را شکرآب ساخته است. از این حیث، مناقشه بر سر حفظ تمامیت ارضی، دفاع از حقایق سرچشمه‌های آبی، تأسیس صنایع، کارخانجات و غیره از جمله زمینه‌های مناقشه با همسایگان به‌شمار می‌روند که در هنگامه‌های سیاسی و انتخاباتی زمینه برخی چالش‌های میان نامزدهای انتخاباتی می‌گردند. در مجموع، این مناقشات طبیعت‌پایه ابتدا تبدیل به تنش‌های انسان‌پایه و نهایتاً منجر به تعارضات ژئوپلیتیک می‌شوند. ردصلاحیت برخی نمایندگان و نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم را می‌توان تابعی از مناقشات منطقه‌ای با همسایگان نیز به‌شمار آورد.

ج) تحرکات گروه‌های ذی‌نفوذ (سطح تحلیل محلی)

نگاهی به کنش‌گری ایل ممسنی در بستر تاریخ نشان می‌دهد که طوایف چهارگانه آن (به همراه ماهورمیلاتی) علی‌رغم همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر، گاه رقابت‌های سیاسی نیز داشته‌اند و همین رقابت‌ها مانعی در برابر اتحاد درونی آنها بوده است. امروزه چنین رقابت‌هایی به واسطه تحرکات گروه‌های ذی‌نفوذ در چارچوب انتخابات مجلس میان طوایف ممسنی بازساخت شده است. تحرکات این گروه‌ها که منافع شخصی کوتاه‌مدت خود طی ادوار مختلف انتخابات را

دنبال مي نمايند، شائبه زمينه سازي براي رد صلاحيت برخي نامزدها از سوي آنها (به واسطه لابي گري درون شهري و جغرافيايي قدرت در سطح ملي) را دوچندان ساخته است (حسيني و صادقي، ۱۴۰۲).

۲-۵. علت كاوي كثر ت نامزدها در كارزارهاي انتخاباتي ممسني و رستم

برپايه مطالعه ادوار مختلف انتخابات و بررسي هاي ميداني از وضعيت نامزدها در حوزه انتخابيه ممسني و رستم، چهار مؤلفه كليدي را مي توان به عنوان عوامل مؤثر بر كثر ت نامزدهاي انتخاباتي در اين حوزه انتخابيه برشمرد: «پديده شكاف نسلي نامزدها»، «استراتژي تغيير حوزه انتخابيه نامزدها»، «تصميم جغرافيايي قدرت از بالا» و «اجماع نخبگان از پايين».

۴-۲-۱. پديده شكاف نسلي نامزدها

بررسي ادوار مختلف انتخابات مجلس در حوزه انتخابيه ممسني و رستم گوياي اين است كه در پنج دوره اخير تعدادي از نامزدهاي انتخاباتي تحت عنوان نمايندگان ادوار به رقابت سستي با يكديگر پرداخته و به چهره هاي تكراري انتخابات تبديل شده اند. در ادوار دهم و يازدهم تعداد نامزدهاي جوان در كارزارهاي انتخاباتي نسبتاً افزايش يافت و طي دوازدهمين دوره انتخابات در اين حوزه انتخابيه، چهره هاي جوان و نسل جديد به طور شگفت انگيزي ابراز وجود نمودند و به رقيب نسل سستي تبديل شدند. بررسي تفاوت هاي نسلي نامزدها نشان مي دهد كه طي ادوار يازدهم و دوازدهم به تدريج شرايط براي نامزدهاي جواني كه عمدتاً در دهه ۴۰ (سن رسالت) زندگي خويش قرار گرفته اند، فراهم شد تا بر برخي ناکامي هاي دهه شصتي ها تحت عنوان «نسل سوخته» فائق آيند. بر اساس آمار شوراي نگهبان نيز بيش از ۵۰۰۰ نامزد دهه شصتي و ۴۰۰ نامزد دهه هفتادي در دوازدهمين دوره انتخابات در هيئت نظارت استان هاي سراسر کشور تأييد صلاحيت شدند كه اين مسئله خود به عنوان يكي از دلايل مهم كثر ت نامزدها طي اين دوره به شمار مي رود (طحان نظيف، ۱۴۰۲).

نگاهي به نامزدهاي پنج دوره اخير انتخابات در حوزه انتخابيه ممسني و رستم از نظر شاخص «سن» نشان مي دهد كه كهنة ترين نامزد كارزارهاي انتخاباتي حوزه انتخابيه ممسني و رستم، «علي احمدی» (متولد ۱۳۴۲) است كه در ششمين دوره انتخابات ابراز وجود نمود و در هفتمين دوره انتخابات توانست طايفه جاويد را پس از چهار دوره ناکامي (از زمان اتمام نمايندگي صمد شجاعيان در ادوار اول و دوم) جاويدان سازد، اما ناکامي هاي احمدی از دور هشتم به بعد ادامه يافت تا جاويد

نتواند برای چهار دوره پیاپی دیگر به قدرت تراز اول ممسنی در کارزارهای انتخاباتی تبدیل شود، ولی سرانجام در دور دوازدهم، امید نصیبی پیروز این کارزار شد تا احمدی به مثابه «پدرخوانده سیاسی» خشنود گردد و روح شجاعیان فقید آرام گیرد.

از سوی دیگر، دومین چهره کارکننده انتخابات و سازنده شکاف نسلی، «عبدالرضا مرادی» (متولد ۱۳۴۷) است که پس از پیروزی در دور هفتم همواره به دنبال تکرار آن بوده است، ولی یکی از بزرگترین چالش‌ها و موانع وی در این امر، موضوع دریافت چراغ سبز از مراجع ذی‌ربط عهده‌دار صلاحیت‌ها بوده، به طوری که روندی سینوسی طی ادوار مختلف را تجربه کرده است. اگرچه طایفه بکش به واسطه پیروزی چهره‌های سیاسی خود در ادوار مختلف انتخابات (پیروزی سیدعبدالرسول موسوی در دور سوم، سیدابراهیم امینی در دور ششم، عبدالرضا مرادی در دور هشتم، نوذر شفیعی در دور نهم و مسعود گودرزی در دور دهم) توانست ۵ دوره از مجموع ۱۲ دوره کرسی مجلس را به خود اختصاص دهد، اما مرادی کاریزماتیک همواره زمین و زمان را به هم دوخت تا شاید فرجی برای وی در کارزارهای انتخاباتی حاصل شود و به همگان اثبات نماید که دو دوره‌ای شدن، حق سلب‌نشده‌ی وی و مسلم اوست. مرادی پس از رد صلاحیت در دور دوازدهم، با حمایت از فرهاد امیری بکش تبار (نامزد نیابتی خود در کارزار ممسنی و رستم) وی را با ابوذر رشیدی دیگر نامزدهای بکشی، هم‌وزن ساخت. این موضوع نه تنها بکش را به اجماع درون طایفه‌ای سوق نداد، بلکه زمینه رویارویی رقابت‌های تیره‌ای (بابر سالار، کرای و بوان) در مقابل یکدیگر شد که برآیند آن دل‌چرکینی تیره‌های بکش از کنش‌گری نابهنگام مرادی در این کارزار و متعاقباً شکست سنگین بکش از امید نصیبی هم‌اورد قدر جاوید تبار خود بود. از این رو می‌توان گفت، مرادی انتخابات دوست که زمانی در ابتدای دهه ۱۳۸۰ ه.ش با شعاری همچون «مرادی قهرمان / کاندید نسل جوان» شناخته می‌شد و در ادامه، لقب «شکارچی بودجه» و «عبد دل‌ها» را به خود اختصاص داد، در قرن جدید شمسی مغلوب نامزدهای نسل جدید درون طایفه‌ای و برون طایفه‌ای گردید.

سومین چهره این کارزار، «نوذر شفیعی» (متولد ۱۳۴۷) است که پس از ترسیم چهره رسانه‌ای از خود (افغان‌پژوه) و خلق شگفتی در دور نهم، با ناکامی جدی (ریزش شدید آرا) در دور دهم مواجه شد، به طوری که آقای به اصطلاح «سناتور» اتوکشیده و به ظاهر «دیپلمات» نتوانست در دور یازدهم با کمک «بادیگارد‌های» خود حتی از هیئت اجرایی حوزه انتخابیه ممسنی و رستم چراغ سبز دریافت

نماید و لذا مدینه فاضله خود در دور دوازدهم را در حوزه انتخابیه شیراز دنبال نمود تا شاید از آن کانال فرجی برای وی حاصل شود. اگرچه در صورت فراهم شدن بسترهای لازم در شهرستان‌های ممسنی و رستم، استراتژی تغییر حوزه انتخابیه به عنوان یک گزینه برای وی محتمل بود، اما شفیعی خواستار چشیدن طعم تلخ شکست از نسل جدید نامزدهای ممسنی و رستم نبود و به این حوزه انتخابیه ورود نکرد.

چهارمین چهره برجسته انتخابات، «مسعود گودرزی» (متولد ۱۳۵۴) است که با خیزش از جغرافیای پروزن بوان در قلب بکش، ائتلاف با منطقه جاوید، نفوذ در قلمرو سایر طوایف، کسب حمایت اصلاح‌طلبان، متنفذین محلی و نیروهای اجتماعی ممسنی و رستم توانست با پیروزی بر عبدالرضا مرادی در دور دهم (مرحله دوم)، ماهیت جغرافیای بوان را از ژئوتوریسم به ژئوپلیتیک تغییر دهد، اما اتیکت اصلاح‌طلبی مانع از تأیید صلاحیت وی در ادوار یازدهم و دوازدهم شد و همین مسئله زمینه ابراز وجود نامزدهای نسل جوان تیره بوان نظیر (محسن مینای رداصلاحیت‌شده و محمد اکبری تأیید صلاحیت‌شده) در کارزار انتخاباتی دور دوازدهم گردید.

سرانجام، پنجمین چهره سستی انتخابات و شکاف‌ساز نسلی، «مجید انصاری» (متولد ۱۳۴۳) است که در ادوار نهم و دهم با آراء قابل توجهی جایگاه سوم را به خود اختصاص داد. نهایتاً انصاری با ارائه «گفتمان ممسنی بزرگ» به کرسی مجلس یازدهم تکیه زد تا جغرافیای رستم پس از پنج دوره ناکامی در کارزار انتخابات، در این دور کامیاب شود. در مجموع، رداصلاحیت / انصراف / استعفای انصاری، نماینده وقت شهرستان‌های ممسنی و رستم در شورای نگهبان شوک تأمل‌برانگیزی به حوزه انتخابیه ممسنی و رستم طی دور دوازدهم وارد نمود. اگرچه نامزد نیابتی انصاری (جهانگیر رستمی) به عنوان تک‌کاندیدای بخش سورنای رستم رأی چندانی اخذ نکرد، ولی طایفه رستم شاهد سر برآوردن نسل کانیداهای جوان (نظیر سجاد کلانی نسب خوش‌رأی) در کارزار انتخابات بود.

در مجموع، دوازدهمین دوره انتخابات به مثابه آخرین بخت نمایندگان ادوار سابق حوزه انتخابیه (پنج‌ضلعی احمدی، مرادی، شفیعی، گودرزی و انصاری) برای تکیه‌زدن به کرسی مجلس و تحقق رؤیای دو دوره‌ای شدن آنان همانند صمد شجاعیان فقید بود زیرا نسل جدیدی از جوانان در حوزه انتخابیه ممسنی سر بر آوردند و به تدریج گوی سبقت را از نمایندگان سستی و پیشکسوت ربودند (حسینی و صادقی، ۱۴۰۲).

۲-۲-۴. استراتژی تغییر حوزه انتخابیه نامزدها

استراتژی تغییر حوزه انتخابیه از دیگر مؤلفه‌هایی است که زمینه کاهش تعداد کاندیداهای یک حوزه انتخابیه (مبدأ) و افزایش نامزدهای سایر حوزه‌های انتخابیه (مقصد) را فراهم می‌سازد. بر اساس قانون تغییر حوزه انتخابیه (مصوب سال ۱۳۸۲)، نامزدهای انتخاباتی قادر به چنین اقدامی هستند و در صورت تأیید صلاحیت از سوی مراجع سه‌گانه (هیئت اجرایی، هیئت نظارت استان / هیئت مرکزی نظارت و شورای نگهبان) تا ۱۵ روز قبل از برگزاری انتخابات، امکان تغییر حوزه انتخابیه برای آنها فراهم است. شایان ذکر است که در صورت رد صلاحیت نامزدها از سوی مراجع فوق برای ورودشان به حوزه انتخابیه جدید، تأیید صلاحیت آنها در همان حوزه انتخابیه نخست همچنان به قوت خود باقی است. در این میان، برخی نامزدهای انتخاباتی با آسودگی خاطر و رهایی کامل از موضوع تأیید صلاحیت خود از سوی نهادهای بالادستی (به ویژه پس از تأیید در هیئت نظارت استان مبدأ) استراتژی تغییر حوزه انتخابیه را در پیش می‌گیرند و در دقایق پایانی با پیوستن به کارزار انتخاباتی حوزه‌های انتخابیه دیگر، بر کثرت نامزدها می‌افزایند.

تغییر حوزه انتخابیه نامزدها به حوزه انتخابیه ممسنی و رستم مسبوق به سابقه بوده، به طوری که برخی نامزدهای ادوار دهم (محمد محمودی) و یازدهم (علی احمدی) با استفاده از این استراتژی در دقیقه ۹۰ از سایر حوزه‌های انتخابیه به کارزار انتخاباتی ممسنی و رستم کوچ نمودند تا بتوانند با یک کامبک رویایی معادلات انتخاباتی را به سود خود تغییر دهند. در مجموع، اتخاذ چنین استراتژی از سوی نامزدهای انتخاباتی می‌تواند ضمن افزودن بر تعداد نامزدهای حوزه انتخابیه، برخی مزایا و معایب را برای این فضای جغرافیایی به همراه داشته باشد.

۲-۲-۴.۱. مزایا

الف) فرصت انتخاب نامزدهای دلخواه: با تغییر حوزه انتخابیه نامزدها به ممسنی و رستم این فرصت و حق انتخاب برای رأی‌دهندگان فراهم می‌گردد تا با آزادی کامل، کاندیدای مورد نظر و دلخواه خود را برگزینند.

ب) بهره‌مندی از ظرفیت و توانمندی نامزدهای جدیدالورود: با ورود نامزدهای جدید به حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، شهروندان قادرند از ظرفیت و توانمندی آنها (به ویژه در صورت پیروزی در انتخابات) برای این شهرستان‌ها استفاده نمایند.

ج) شکل‌گیری رقابت انتخاباتی تمام‌عیار، متنوع و متکثر: ورود نامزدهای انتخاباتی از سایر حوزه‌ها به ممسنی و رستم، رقابت انتخاباتی تمام‌عیار، متنوع و متکثر را به همراه دارد و اقصی نقاط حوزه انتخابیه را به صحنه رقابت آنها تبدیل می‌نماید.

۴-۲-۲. معایب

الف) شائبه ترجیح منافع شخصی بر تأمین خیر عمومی: در حالی که ثبت نام اولیه نامزدهای انتخاباتی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم بیانگر عزم آنها برای پیگیری مسائل و مشکلات این شهرستان است، ورود دیر هنگام برخی نامزدها از سایر حوزه‌های انتخابیه به حوزه انتخابیه ممسنی و رستم این شائبه را در اذهان و افکار عمومی ایجاد می‌کند که منافع شخصی را بر تأمین خیر عمومی ترجیح می‌دهند.

ب) امکان ضعف در تنظیم برنامه توسعه‌محور به دلیل زمان اندک: تنظیم برنامه توسعه‌محور مستلزم صرف زمان کافی برای شناخت دقیق موانع و مشکلات موجود از یکسو و حضور جدی در کارزار انتخابات برای رفع این موانع از سوی دیگر است. لذا ورود دیر هنگام نامزدها به حوزه انتخابیه ممسنی و رستم می‌تواند به عنوان مانعی اساسی در برابر تنظیم برنامه توسعه‌محور قلمداد گردد؛ چرا که تمرکز آنها در ابتدا معطوف به حوزه انتخابیه اولیه‌ای است که در آنجا ثبت نام نموده‌اند و فرصت و زمان کافی برای تنظیم برنامه توسعه‌محور در حوزه انتخابیه جدید (ممسنی و رستم) را ندارند؛ هرچند عده‌ای از نامزدهای انتخاباتی نیز که از ابتدا برای این حوزه انتخابیه ثبت نام می‌نمایند، برنامه خود در رابطه با توسعه این شهرستان‌ها را ارائه نمی‌دهند.

ج) احتمال تشدید شکاف طایفه‌ای: به نظر می‌رسد نامزدهای خارج از حوزه انتخابیه ممسنی و رستم بر بنیاد رَصد پایگاه رأی طایفه‌ای خود در این حوزه انتخابیه و مشاهده فضای مساعد (عدم حضور هیچ‌گونه نامزدی از طایفه‌شان در انتخابات در نتیجه رخصلاحت و یا حضور نامزدهای هم-طایفه‌ای دارای پایگاه رأی اندک) به این حوزه انتخابیه وارد می‌شوند که این مسئله می‌تواند ضمن افزایش میزان هیجان رأی‌دهندگان، شکاف طایفه‌ای را در سطح حوزه انتخابیه تشدید سازد؛ به ویژه

آنکه پس از عبور باصلابت نامزدها از تمام فیلترهای موجود، برخی کنش‌های غیرمدنی در سطح حوزه انتخابیه ممسنی و رستم افزایش می‌یابد (حسینی و صادقی، ۱۴۰۲).

۴-۲-۳. تصمیم جغرافیای قدرت از بالا

صرف‌نظر از اهداف کسب شهرت، ائتلاف و پیروزی / قدرت سیاسی نامزدها از یکسو و اعلام وظیفه و روحیه ناجی‌گری کاندیداها از سوی دیگر که در هر دوره از انتخابات برای ورود به کارزارهای انتخاباتی مطرح می‌نمایند، به نظر می‌رسد با توجه به ناخرسندی عمومی از وضع نابسامان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و ... میل به مشارکت سیاسی حتی در اجتماع عشیره‌ای ممسنی در برخی ادوار نسبتاً فروکش کرده است. از این حیث، بازیگران سطح کلان قدرت (تصمیم‌گیری از بالا) به حضور متعدد نامزدهای انتخاباتی همسو چراغ سبز نشان می‌دهند تا از طریق بسیج حلقه‌های دوستان و خویشاوندان خود، میزان مشارکت سیاسی را به حداکثر ممکن برسانند. تأیید صلاحیت غیرطبیعی ۲۶ نامزد انتخاباتی (البته ۱۵ نامزد انصرافی) دور دوازهم در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم از سوی شورای نگهبان گویای این امر است.

۴-۲-۴. اجماع نخبگان از پایین

تصمیم انفجاری نخبگان ممسنی و رستم برای ثبت‌نام حداکثری در چند دوره اخیر انتخابات را می‌توان نشئت‌گرفته از علل بنیادینی دانست. این نخبگان به ویژه نسل جدید / جوان برخوردار از تحصیلات آکادمیک شگفت‌انگیز که زمینه‌الصاق پلاک «شهر دانشجو» به ممسنی و رستم شده‌اند، از انحصار قدرت توسط برخی نامزدها و نمایندگان سستی در این حوزه انتخابیه طی دو دهه اخیر به ستوه درآمده‌اند و برای شکستن این انحصار با ورود به کارزار انتخابات به نوعی اجماع از پایین (در مقیاس شهرستانی) دست یافته‌اند تا بتوانند ضمن ارائه توانمندی‌های علمی و اجرایی فوق‌العاده خود، گزینه‌های انتخاب رأی‌دهندگان را متنوع و متکثر سازند.

علاوه بر این، فرهنگ سیاسی انسان ممسنی که مبتنی بر خصیصه قدرت‌دوستی با پشتوانه ایلی / عشیره‌ای است، زمینه توجه ویژه نخبگان به کرسی نمایندگی مجلس شده است، به طوری که خود را به عنوان ناجی این شهرستان‌ها می‌پندارند و پیروزی در کارزارهای انتخاباتی با پشتوانه رأی طایفه‌ای را در سر می‌پروراند. دسته‌ای دیگر از نخبگان جوان علاوه بر فعالیت در دستگاه‌های اجرایی (قوه مجریه)، مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) را به‌عنوان آلترناتیو موردعناایت قرار می‌دهند تا درخشش

خود را منصفه ظهور بگذارند. برخي از نخبگان نيز علي رغم برخورداري از رزومه علمي قوي، به دليل ضعف فرصت‌هاي شغلي در دستگاه‌هاي اجرائي، حوزه تقنيني را به عنوان هدف موفقيت خود ترسيم مي‌کنند. اين مسئله مزيد بر علت شده و طي ادوار اخير بر ثبت نام نامزدها (به ويژه نسل جديد) در اين حوزه انتخابيه افزوده است.

۳-۴. فرصت‌ها و چالش‌ها

ضمن استقبال و ابراز خرسندي نخبگان دگرانديش و تحول‌خواه از چراغ سبز مراجع ذيربط به تايد صلاحيت بسياري از نامزدهاي انتخاباتي، كثرت آنها در حوزه انتخابيه ممسني و رستم مي‌تواند برخي فرصت‌ها و چالش‌ها را براي اين حوزه انتخابيه به همراه داشته باشد.

۱-۳-۴. فرصت‌ها

الف) شناخت توده‌ها از ميزان توانمندی نامزدهای جوان: تحصيلات نامزدهای جوان در مقطع تحصيلات تکميلي و برخورداري آنها از دانش لازم در رشته‌ها و زمينه‌هاي مختلف، زمينه‌ساز پوست-اندازي نسلي جامعه است و توده مردم نيز به ميزان توانمندی‌شان پي مي‌برند.

ب) آگاهی نامزدها از مسائل و مشكلات حوزه انتخابيه: با عنایت به اينکه نامزدهاي انتخاباتي ناگزير از حضور ميداني در اقصي نقاط شهرستان‌هاي ممسني و رستم به منظور تقويت پايگاه رأي خود هستند، از نزديک مسائل و مشكلات حوزه انتخابيه را لمس خواهند نمود و حتي اگر نتوانند به کرسی مجلس تکیه بزنند، حداقل قادرند به واسطه جايگاه کارگزاری و مديريتي خود گامي در راستای حل و فصل برخي مسائل و مشكلات اين شهرستان‌ها بردارند.

ج) افزایش دامنه انتخاب رأي دهندگان: افزایش دامنه انتخاب رأي دهندگان در برگزیدن نامزد دلخواه خود (به‌ويژه کانديداهاي متخصص و نوآنديش) با علايق / سلايق متنوع از زيستگاه‌ها / بخش‌هاي مختلف و طيف‌هاي فکري / علمي / اجرائي گوناگون مبتني بر اصل «پلوراليسم / تکثرگرايي» حداقل در بُعد انتخاباتي فرصت مناسبي در اين عرصه است؛ به طوري که بخش‌هاي دشمن‌زياري و ماهورمیلاتي نيز علي رغم غيبت طولاني مدت در کارزار انتخاباتي حوزه انتخابيه ممسني و رستم مي‌توانند به معرفي نامزدهاي خود پردازند؛ هر چند کنش‌گري سياسي دشمن‌زياري‌ها

عمدتاً معطوف به ماوراء ممسنى (حوزه انتخابیه شیراز) است و همانند ماهورمیلاتی در حوزه انتخابیه ممسنى و رستم معمولاً نقش آراء شناور را ایفاء می‌نمایند.

۲-۳-۴. چالش‌ها

الف) افزایش سطح انتظارات نامزدها از حلقه دوستان و گروه‌های خویشاوندی: برخی نامزدهای انتخاباتی فارغ از توجه به واقعیت‌های میدانی مربوط به سبد آراء خود و گمان پیروزی قطعی در انتخابات، انتظارات فزاینده‌ای از حلقه‌های دوستان و گروه‌های خویشاوندی برای تشکیل کمپین‌های انتخاباتی در حمایت از خویش دارند. این مسئله باعث افزایش فشار بر خانواده‌ها می‌گردد و آنها ناگزیر از همراهی با چنین نامزدهایی هستند تا مانع از دل‌چرکینی‌شان شوند. برآیند چنین رویکردی، دلخوری اجتماعی و سیاسی کثیری از شهروندان از یکدیگر است.

ب) سهم‌خواهی نامزدها در چارچوب بده/بستان‌های ناشی از ائتلاف‌های طایفه‌ای: با توجه مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته، پایگاه رأی نامزدها در حوزه انتخابیه ممسنى و رستم در درجه نخست ریشه در وابستگی‌های طایفه‌ای و پیوندهای خویشاوندی دارد (حافظ‌نیا و صادقی، ۱۴۰۰: ۹۱-۵۵). از این‌رو، کاندیداهایی که از مقبولیت بیشتری برای کسب آراء هم‌تباران برخوردارند، ممکن است از طریق بده‌بستان‌های سیاسی با سایر نامزدهای هم‌طایفه‌ای که از بخت و اقبال چندانی برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند، از گزینه انصراف آنها (در اصطلاح محلی؛ «نشستن») به عنوان یک ابزار در راستای تقویت پایگاه رأی خود استفاده نمایند. تحت چنین شرایطی، سهم‌خواهی برخی نامزدهای انصرافی طی ائتلاف‌های طایفه‌ای محتمل است.

ج) انباشت تعارضات درون‌طایفه‌ای بر شکاف برون‌طایفه‌ای: با حضور نامزدهای متعدد و متناسب به تیره‌های وابسته به هر یک از طوایف در کارزار انتخابات، جغرافیای منازعات از سطح برون‌طایفه‌ای به درون‌طایفه‌ای یعنی مقیاس تیره‌ای سوق می‌یابد و با فعال‌شدن چنین گسل‌ها و شکاف‌هایی، قلمرو درونی هر یک از طوایف آستن تعارضات و رویارویی حامیان نامزدها حتی در مقیاس سکونتگاه‌های روستایی (همانند دهمین و دوازدهمین دوره انتخابات مجلس) می‌گردد. بنابراین، حضور همزمان چندین نامزد قدر از یک قلمرو / طایفه (دو پادشاه در اقلیمی نگنجد)، معمولاً

چگالي منازعات و شكاف درون طايفه‌اي را به واسطه فهرست بلندبالاي نامزدهاي آن قلمرو افزايش مي‌دهد.

۴-۴. آسيب‌شناسي مدل ائتلاف - اجماع طايفه‌اي ناشي از كثرت نامزدها

ائتلاف^۱ به معنای هم‌نظری موقت گروه‌ها و نیروهای سیاسی مختلف است که هدف‌های معینی را دنبال می‌کنند. در شرایطی که ائتلاف چند نامزد وابسته به احزاب و گروه‌های مختلف صورت پذیرد، به آن ائتلاف انتخاباتی می‌گویند. از سوی دیگر، اجماع^۲ به معنای اتفاق‌نظر عمومی بر روی یک چیز / نفر نظیر یک نامزد انتخاباتی است. با توجه به کثرت نامزدها طی برخی ادوار انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، توده‌ها و حتی برخی نخبگان با مشاهده شرایط میدانی (پایگاه رأی طایفه‌ای نامزدها)، بر ائتلاف چندین نامزد و یا اجماع نامزدهای هم‌تبار بر یک نامزد قدر و پروزن تأکید دارند. به طور کلی این مدل از ائتلاف و یا اجماع با مزایا و معایبی مواجه است:

۴-۴-۱. مزایا

الف) ممانعت از خلق تعارضات تیره‌ای: با عنایت به کثرت نامزدهای انتخاباتی و وابستگی آنها به تیره‌ها و اولادهای متنوع ذیل هر یک از طوایف، فعال شدن گسل‌ها و شکاف‌های تیره‌ای محتمل است. لذا ائتلاف و یا اجماع نامزدهای درون طایفه‌ای مانع از خلق تعارضات و دل‌چرکینی‌های آحاد انسانی^۳ متناسب به هر یک از تیره‌ها می‌گردد.

ب) همبستگی اجتماعی و سیاسی قلمروها: ائتلاف و یا اجماع نامزدهای انتخاباتی، هر یک از بخش‌ها و قلمروهای مختلف را به سوی همبستگی اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد و سطح تعاملات باشندگان آنها با یکدیگر را دوچندان می‌سازد.

۴-۴-۲. معایب

الف) گزینش احساسی / عاطفی در مقابل انتخاب عقلایی / منطقی: با توجه به وابستگی‌های طایفه‌ای نامزدها، ائتلاف و یا اجماع‌های درون طایفه‌ای زمینه گزینش احساسی / عاطفی بر بنیاد گرایش‌های تباری می‌گردد. از این‌رو نمی‌توان انتخابی عقلایی و منطقی از سوی شهروندان را متصور بود.

- | | |
|----|-----------|
| 1. | Coalition |
| 2. | Consensus |

ب) فعال‌سازی شکاف‌های طایفه‌ای در برابر همگرایی ایلی: اگرچه ائتلاف و یا اجماع درون-طایفه‌ای، انسجام درون‌قلمرویی را به همراه دارد، ولی مانع از همگرایی ایلی (ممسنی) می‌گردد و ارجحیت طایفه‌محوری بر ممسنی‌محوری را به همراه دارد. از این حیث، بیش از آنکه «ممسنی» به عنوان کانون سیاسی فضا، اولویت نامزدها، توده‌ها و حتی نخبگان باشد، ارزش‌ها و تأمین منافع «طایفه» برایشان محوریت خواهد داشت.

پ) فرصت‌سوزی گروه‌های ذی‌نفوذ در برابر فرصت‌سازی نخبگان: ائتلاف و یا اجماع طایفه‌ای که بر طبق تصمیمات گروه‌های ذی‌نفوذ اتخاذ می‌گردد، مانع از ابراز وجود نامزدهای شایسته در کارزار انتخابات می‌گردد و آنها قربانی این مدل تصمیمات می‌شوند. بر این اساس، فرصت‌سازی نخبگان در روی کار آوردن نامزدهای شایسته از بین می‌رود.

ت) خویشاوندباوری در برابر شایسته‌محوری مدیریتی: یکی از پیامدهای ائتلاف و یا اجماع طایفه‌ای، واداری نامزد پیروز انتخابات به هم‌تباران خود است. از این رو، نماینده حوزه انتخابیه ناگزیر از اتخاذ رویکرد خویشاوندگرایی اداری در امر انتصابات است، به طوری که شایسته‌باوری در انتخاب مدیران تحت‌الشعاع ارزش‌های طایفه‌ای و گرایش‌های خویشاوندی نامزد پیروز به عنوان نماینده حوزه انتخابیه ممسنی و رستم قرار می‌گیرد.

ث) خاص‌نگری در برابر عام‌نگری توزیع فضایی منابع ثروت: ائتلاف و یا اجماع طایفه‌ای منجر به دغدغه ذهنی نامزدها برای تخصیص ردیف بودجه و اعتبارات به قلمرو طایفه خود می‌گردد. توزیع فضایی ناعادلانه منابع ثروت از سوی نامزد پیروز منجر به خاص‌نگری (ترجیح منافع طایفه خود بر منافع شهرستان) می‌شود. تحت این شرایط، نمی‌توان از عام‌نگری فضایی و توزیع متوازن منابع ثروت از سوی نامزد پیروز نسبت به اقصی نقاط ممسنی و رستم سخن به میان آورد.

در مجموع مدل ائتلاف و یا اجماع عقلایی / فراطایفه‌ای با محوریت نخبگان بهتر از مدل عاطفی / طایفه‌ای با محوریت توده‌ها می‌تواند شهرستان‌های ممسنی و رستم را به سوی توسعه سوق دهد.

۴-۵. پیامدها

ضمن عنایت به موضوع خشنودی نخبگان دگراندیش و واکنش احساسی توده‌ها در قبال تأیید صلاحیت گسترده نامزدها (نظیر تأیید صلاحیت قابل توجه نامزدهای دور دوازدهم از سوی

شورای نگهبان در سراسر کشور از جمله حوزه انتخابیه ممسنی و رستم)، با توجه به ساختار عشیره‌ای / طایفه‌ای و وضعیت خاص این حوزه انتخابیه طی ادوار مختلف، برخی پیامدهای ناشی از کثرت آنها را عبارتند از:

الف) صرف هزینه‌های گزاف در ستادهای انتخاباتی نامزدها: تأمین اماکن ستادهای انتخاباتی به منظور تبلیغات، ایراد سخنرانی و فراهم ساختن تدارکات پذیرایی از حامیان مستلزم صرف هزینه‌های گزافی است که بر نامزدها و اسپانسر / حامی مالی آنها تحمیل می‌گردد. این در حالی است که چنین سرمایه‌ای را می‌توان به اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه در مناطق محروم شهرستان‌های ممسنی و رستم اختصاص داد.

ب) پایداری میزان مشارکت سیاسی دلخواه نهادهای ذی‌ربط: علی‌رغم موضوع بی‌میلی نخبگان و توده‌ها از وضع نابسامان سطح کلان کشور و دلسردی آنها نسبت به رصد و انجام فعالیت‌های فکری / میدانی / تبلیغاتی در کارزار انتخابات که می‌تواند مراجعه بسیار کمتر رأی‌دهندگان به شعب اخذ رأی و کاهش میزان مشارکت سیاسی را به همراه داشته باشد، با عنایت به شاخص ساختار عشیره‌ای / طایفه‌ای ممسنی، تأیید صلاحیت گسترده نامزدهای انتخاباتی، بسیج برخی حلقه‌های خویشاندوی و گروه‌های دوستان هر یک از نامزدها (حداقل در مقیاس زادگاه نامزدها و سکونتگاه‌های روستایی همجوار به واسطه پیوندهای خویشاوندی نسبی و سببی) را به همراه دارد تا از کاندیدای موردنظر خود حمایت لازم را به عمل آورند. تحت چنین شرایطی پایداری میزان مشارکت سیاسی (در سطح مورد انتظار مجریان حوزه انتخابیه و دلخواه نهادهای بالادستی ذی‌ربط)، در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم محتمل است؛ کمالینکه میزان مشارکت سیاسی در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی در این حوزه انتخابیه شگفت‌انگیز بوده است.

ج) تحمیل بار مالی و امنیتی برگزاری انتخابات دو مرحله‌ای به دستگاه‌های اجرایی: با احتمال توزیع سبد آراء میان خیل کثیری از نامزدها و عدم کسب حدنصاب لازم (۲۰ درصد آراء) از سوی آنها برای پیروزی در نخستین مرحله انتخابات، دستگاه‌های اجرایی ناگزیر از تخصیص بودجه و اعتبار بیشتر برای برگزاری مجدد انتخابات و به‌کارگیری دوباره نیروهای انسانی (حداقل ۵ هزار نفر در قالب عوامل اجرایی، نظارتی، بازرسی، انتظامی و امنیتی / گارد ویژه در حدود ۲۳۰ شعبه اخذ رأی)

در مرحله دوم انتخابات هستند که خود بار مالی و امنیتی حوزه انتخابیه ممسنی و رستم را به مراتب افزایش می‌دهد (حسینی و صادقی، ۱۴۰۲).

۶.۴. آینده‌پژوهی

با توجه به ثبت نام و کثرت نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم در فرآیند قبل از برگزاری انتخابات، معمولاً آینده‌پژوهی و تدوین سناریوهای ممکن در رابطه با سبد آراء هر یک از کاندیداها کاری دشوار و پیچیده است. اگرچه چنین کار سترگی از حوصله و توان تحلیلگران سیاسی و انتخاباتی خارج است، اما با حضور چنین تعداد کثیری از نامزدها در چارچوب طوایف و تیره‌های مختلف، آراء آنها در سبدهای رأی گوناگون توزیع می‌گردد که عمدتاً محدود به بسته‌های رأی سکونتگاه‌های روستایی (زادگاه هر یک از کاندیداها) هستند و بسیاری از آنها از وزن چندانی برای اخذ آراء فراروستایی برخوردار نیستند و در بهترین حالت ممکن در سطح تیره و نه طایفه کنش‌گری می‌نمایند. تحت چنین شرایطی، آراء نامزدهای قوی که در سطح طایفه‌ای و فراتر از آن کنش‌گری دارند، تحت الشعاع سبدهای رأی کوچک سایر نامزدهای کم‌وزن در مقیاس روستایی قرار می‌گیرد. لذا، با تأیید صلاحیت گسترده نامزدها در مراجع ذیربط، معمولاً هیچ کدام از آنها در مرحله اول انتخابات حدنصاب لازم (کسب ۲۰ درصد آراء بر اساس اصلاحات و الحاقات قانون انتخابات مورخ ۱۴۰۲/۵/۱) را کسب نخواهند کرد؛ مگر آنکه با انصراف تعداد کثیری از نامزدها (نظیر انصراف ۱۵ نامزد از مجموع ۲۶ نامزد تأیید صلاحیت شده و کاهش تعداد نهایی نامزدها به ۱۱ نفر در دور دوازدهم)، سرنوشت انتخابات در همان مرحله اول رقم بخورد.

علاوه بر وضعیت صلاحیت نامزدها در مراجع ذیربط، به نظر می‌رسد کثرت نامزدها در کارزارهای انتخاباتی ممسنی و رستم می‌تواند سه هدف عمده «شهرت»، «ائتلاف» و «پیروزی / قدرت سیاسی» را در پی داشته باشد:

الف) شهرت: اگرچه قریب به اتفاق نامزدهای جوان از سوابق علمی و مناصب اجرایی برخوردارند و به شهرت لازم در حرفه خود دست یافته‌اند، اما دیده‌ها و داده‌های میدانی حاکی از این است که عده‌ای از آنها بیش از آنکه در پی تنظیم برنامه توسعه‌محور و تحرکات میدانی جدی برای انتخابات باشند، صرف حضور در انتخابات را فارغ از هر نتیجه‌ای حائز اهمیت می‌پندارند تا

نزد توده مردم، اصطلاحاً «شهره و پرآوازه» و به عبارتی، «شناخته شوند». لذا به نظر می‌رسد هدف مهم این دسته از نامزدها، كسب «شهرت» باشد.

ب) **ائتلاف:** كثرت نامزدهای مُتَسَبِّب به قلمرو جغرافیایی هر يك از طوایف و تیره‌های مختلف به اندازه‌ای است كه بده‌بستان سیاسی از جنس طایفه‌ای امری محتمل به نظر می‌رسد. از این حیث، «ائتلاف» وجه بارز و هدف نهایی این دسته از نامزدها خواهد بود كه نسبت به چهره‌های سرشناس و قدر طایفه خود سبد رأی به مراتب ضعیف‌تری دارند. لذا، انصراف آنها به نفع نامزدهای هم‌تبار دور از انتظار نخواهد بود.

ج) **پیروزی / كسب قدرت سیاسی:** پیروزی در كارزار انتخاباتی ممسنى و رستم نیازمند تجميع شاخص‌های متعددی (اعم از پایگاه رأی طایفه‌ای، برخورداری از اسپانسر / حامی مالی، محبوبیت مردمی، سوابق علمی و اجرایی و ...) است. از این حیث، نامزدهای پروزن، «پیروزی» در انتخابات را به عنوان هدف نهایی خود ترسیم می‌نمایند. كنش سیاسی و تحرکات میدانی این دسته از نامزدها مؤید این امر است (صادقی و حسینی، ۱۴۰۲: ۲۳۶-۲۳۵).

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد، كثرت نامزدها در حوزه انتخابیه ممسنى و رستم ریشه در مؤلفه‌هایی نظیر پدیده شكاف نسلی نامزدها (ابراز وجود نامزدهای جوان در برابر نامزدهای سستی)، استراتژی تغییر حوزه انتخابیه كاندیداها (ورود كاندیداهاى جدید به این حوزه انتخابیه)، تصمیم جغرافیای قدرت از بالا (مراجع عهده‌دار صلاحیت نامزدها) و اجماع نخبگان از پایین (خستگی نخبگان ممسنى و رستم از نامزدهای تكراری ادوار گذشته و تلاش برای معرفی نامزدهای جدید) داشته است. برآیند این وضعیت، خلق فرصت‌ها (شناخت مردم از میزان توانمندی نامزدهای جوان، آگاهی نامزدها از مشکلات حوزه انتخابیه، افزایش دامنه انتخاب رأی‌دهندگان)، ایجاد چالش‌ها (افزایش سطح انتظارات نامزدها از گروه دوستان و حلقه‌های خویشاوندی، سهم‌خواهی نامزدها در چارچوب ائتلاف‌های طایفه‌ای، انباشت تعارضات درون‌طایفه‌ای بر شكاف برون‌طایفه‌ای)، آسیب‌ها (مدل ائتلاف و یا اجماع طایفه‌ای) و پیامدها (صرف هزینه گزاف در ستادهای انتخاباتی نامزدها، احتمال پایداری میزان مشاركت سیاسی و تحمیل بار مالی - امنیتی برگزاری انتخابات دومرحله‌ای به دستگاه‌های اجرایی)

در این حوزه انتخابیه است. همچنین ردصلاحیت نامزدهای این حوزه انتخابیه ریشه در عواملی همچون ضعف مناسبات سیاسی با جغرافیای قدرت (سطح تحلیل ملی)، مناقشات ارضی و مرزی با همسایگان (سطح تحلیل منطقه‌ای) و تحرکات گروه‌های ذی‌نفوذ (سطح تحلیل محلی) داشته است. هرچند نقش مؤلفه‌های دیگری نظیر ضعف شناسه‌های دموکراسی، سازوکارهای نظارتی و عملکرد نامزدها در این زمینه را نمی‌توان نادیده انگاشت. در مجموع، این نتیجه حاصل می‌گردد که صرف ثبت نام گسترده نامزدها برای کسب شهرت و ائتلاف انتخاباتی در نتیجه بده بستان سیاسی (از جنس طایفه‌ای) نمی‌تواند مشکل‌گشای توسعه ممسنی و رستم باشد. از این رو کنش جدی نامزدها برای تنظیم و ارائه برنامه توسعه‌محور به منظور قرار دادن این شهرستان‌ها در مسیر توسعه ضرورت دارد.

پیشنهادات

الف) با توجه به اینکه علاوه بر متغیر اصلی فضای دوقطبی حاکم بر اکثر ادوار انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم (از جنس طایفه‌ای)، از نظر کمی نیز هرگونه افزایش یا کاهش شدید تعداد نامزدها خارج از عرف معمول و نرمال انتخابات ممکن است این حوزه انتخابیه را متأثر و آبه‌ستن رخدادهای متعددی نماید، پیشنهاد می‌گردد ضمن برگزاری انتخاباتی دموکراتیک و متشکل از نامزدهای برخوردار از عقاید متنوع و وابسته به زیستگاه‌ها و بخش‌های مختلف ممسنی و رستم، تعداد نامزدهای انتخاباتی در حد معقولی باشند تا پیامدهای ناشی از شکاف‌های طایفه‌ای / تیره‌ای و بار مالی / امنیتی برگزاری انتخابات به حداقل ممکن کاهش یابد.

ب) دستیابی ممسنی‌ها به مناصب کلیدی در بدنه جغرافیای قدرت در سطح ملی (البته با رعایت اخلاقیات در قبال نامزدهای همه طوایف)، تنش‌زدایی با همسایگان در سطح منطقه‌ای و تعامل سیاسی نخبگان این شهرستان با یکدیگر در مقیاس محلی را می‌توان به مثابه نخستین گام‌های بنیادین در راستای ممانعت از ردصلاحیت نامزدهای پروزن و قدر در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم برشمرد.

فهرست منابع

- اعظمی، هادی؛ حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۰). بازتاب‌های رویکرد نمایندگانی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر سه مفهوم تکنوکراسی، بوروکراسی و کاریزما، بحران پژوهی جهان اسلام، ۸(۲۲)، ۱-۱۹.
- امجد، محمد(۱۳۸۹). سیاست و حکومت در ایالات متحده، تهران: سمت.
- امیری، محسن؛ حاجی پور، سیمین؛ مقصودی، مجتبی و کاویانی، رضا(۱۴۰۰). جوانان و کارزارهای انتخاباتی در ایران (مطالعه موردی: انتخابات یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری)، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۱(۵۵)، ۵۷-۷۶.
- اونیل، پاتریک(۱۳۹۴). مبانی سیاست تطبیقی (نظام‌های سیاسی تطبیقی)، ترجمه سعید میرترابی، تهران: نشر قومس.
- جلائی‌پور، حمیدرضا(۱۳۹۲). جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن، تهران: نشر علم.
- جونز، مارتین؛ جونز، رایس و مایکل وودز(۱۳۹۵). مبانی جغرافیای سیاسی، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و صادقی، وحید(۱۴۰۰). تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۹(۲)، ۵۵-۹۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۱). تبارشناسی و خاستگاه تاریخی و جغرافیای ایل ممسنی با تکیه بر فرضیات جدید، تاریخ ایران، ۱۵(۱)، ۲۰۹-۲۲۶.
- حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۲). استراتژی تغییر حوزه انتخابیه نامزدها، پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل.
- حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۲). فرصت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای تأیید صلاحیت گسترده نامزدها در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل.
- حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۲). پدیده شکاف نسلی نامزدها در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل.
- حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید(۱۴۰۲). پردازش عوامل مؤثر بر ردصلاحیت نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل.
- خلیلی، محسن(۱۳۹۴). برنامه و پیرنگ درس انتخابات برای کارشناسی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

- دهقانی، حمید(۱۳۹۵). از کارزار انتخاباتی تا رفتار انتخاباتی، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- صادقی، وحید(۱۳۹۳). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا. تهران: گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، وحید(۱۴۰۲). تبیین عوامل موثر بر پیروزی نامزدها در کارزار انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، رساله دکتری جغرافیای سیاسی منتشر نشده به راهنمایی هادی اعظمی و مشاوره سید هادی زرقانی، تیرماه دانشگاه فردوسی مشهد.
- صادقی، وحید و حسینی، سیدمحمدحسین(۱۴۰۲). جغرافیای بدن؛ رویکردی نو برای پیروزی نامزدها در کمپین‌های انتخاباتی، جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۳)، ۲۲۳-۲۳۷.
- صادقی، وحید؛ اعظمی، هادی و زرقانی، سید هادی(۱۴۰۳). تبیین عوامل موثر بر پیروزی نامزدها در پیکارهای انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، آمایش سیاسی فضا، ۶(۳)، ۱۹۷-۲۱۸.
- عزتی، عزت‌اله(۱۳۸۶). نظریات جدید جغرافیای سیاسی، تهران: نشر قومس.
- قزل‌سفلی، اسماعیل(۱۴۰۲). تأیید صلاحیت ۶۶۸ نامزد در هیأت نظارت استان فارس، خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/10/15/3017888/668>
- طحان‌نظیف، هادی(۱۴۰۲). تأیید صلاحیت ۱۱ هزار نفر در هیأت نظارت استان دور دوازدهم مجلس شورای اسلامی، پایگاه خبری شورای نگهبان، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی:
<https://www.shoragc.ir/fa/news/9789>
- میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه سادات(۱۳۹۶). سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سستی و مدرن (۱۸۹۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نوح‌هراری، یووال(۱۴۰۱). رسانه‌های اسرائیل در هفته‌ای که گذشت؛ معترضان به تغییرات قضایی، از اقتصاددانان تا یووال نوح‌هراری، گزارش تهیه شده توسط فرنوش رام در رادیو فردا قابل دسترسی در:
<https://www.radiofarda.com/a/32274112.html>
- ویسی، هادی(۱۳۹۴). مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- هیوود، اندرو(۱۳۹۵). مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه حسن سعید کلاهی و عباس کاردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Davarpanah, Hormoz (2006). English for the Students of political Science. Samt publications.

- Druckman, J. (2010). Priming the Vote: Campaign Effects in A U.S. Senate Election. *Political Psychology*, 25, 577-594.
- Obani, E. F. Odalonu, B.H. (2019). Election and Voting Behavior in Nigeria. *Political Psychology*, 5, 122-131.